

چالش‌ها و موانع دیپلماسی نهضتی در گام دوم انقلاب

روح الله قادری کنگاوری^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

یکی از محورهای مهم بیانیه گام دوم انقلاب، توجه به مسئله استقلال و عزت ملی است. طبق بیانیه، استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهانی است؛ تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه از آثار و پیامدهای طبیعی استقلال‌طلبی و عزت ملی در روابط خارجی است.

پرواضح است که استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی ملت‌ها بدون اعتقاد ایمانی و عملی به مقاومت، در هر دو عرصه سیاست داخلی و خارجی هرگز جامه عمل نخواهد پوشید. باور به مقاومت در حوزه سیاست خارجی مستلزم کاربست «دیپلماسی نهضتی» در مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی است. اما اینکه دیپلماسی نهضتی چه جایگاه و نقشی در تحقق بیانیه گام دوم دارد و با چه چالش‌هایی در عرصه داخلی و خارجی مواجه است، سؤالاتی است که در این مقاله بدان خواهیم پرداخت.

فرضیه اصلی تحقیق این است که دستگاه دیپلماسی تراز انقلاب، منهای «دیپلماسی نهضتی» نه تنها خدمتی به پیشبرد انقلاب و تقویت استقلال و عزت ملی در عرصه بین‌الملل نخواهد کرد، بلکه حتی ممکن است در مقام عمل، بعضاً مانعی در راه کاربست حقیقی آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی نیز باشد. استدلال می‌شود که مقاومت، به عنوان نقطه تلاقی مصالح اسلامی و منافع ملی (عمق‌بخشی و بازدارندگی)، ضامن استقلال و شاخص طلایی مرزبندی با دشمن است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی نهضتی، گام دوم، مقاومت، سیاست خارجی، استقلال‌طلبی، عزت ملی

۱. مقاومت‌پژوه و دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

از جمله مسائل مهمی که به ویژه در صحنه روابط بین الملل مطرح بوده است و اغلب موجب سردرگمی تحلیلگران و محققان بعد از انقلاب شده، موضوع انفکاک یا عدم انفکاک میان انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی است. تجربه انقلاب‌های دیگر نشان داده است انقلاب‌ها عموماً بعد از پیروزی، تبدیل به نظام می‌شوند و از حالت انقلابی درآمده، روحیه محافظه‌کاری پیدا می‌کنند؛ در حالی که در انقلاب اسلامی چنین اتفاقی صورت نگرفت و انقلاب در عین ایجاد نظام جمهوری اسلامی، همچنان راه خود را دنبال کرده است. در حقیقت، موضوع صدور انقلاب بیش از آنچه مربوط به نظام جمهوری اسلامی باشد، با انقلاب اسلامی و تداوم آن مرتبط است. در عین حال، در قانون اساسی به این اصل، به عنوان جزئی از اهداف نظام پرداخته شده است. به همین دلیل، در اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بعضاً تعارض‌هایی مشاهده می‌شود که برای ناظران امور ایران قابل تحلیل و درک نیست (محمدی، ۱۳۹۰: ۳-۹۲).

به این ترتیب، انقلاب اسلامی مساوی با جمهوری اسلامی و بالعکس نیست. نمود سیاسی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی است و این جمهوری اسلامی در واقع، فعل مشروط انقلاب اسلامی است؛ نهادی است که باید در خدمت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. بنابراین، هر سیاست و رفتاری که در این نهاد منطبق با آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد، نعم‌المطلوب؛ اما هر کدام نباشد، به نقد کشیده می‌شود و هر جا انطباق نداشته باشد باید تغییر کند. اما اگر خلط کنید و بگویید انقلاب همان جمهوری اسلامی است، آن وقت به لحاظ مفهومی نیز مشکل پیدا می‌کنید. این همه سیاست‌های مختلف و متنوع متضاد را چگونه می‌توان سازگار با انقلاب اسلامی دانست؟ این چه نظام فکری درونی هماهنگ و سازگاری است که به رنگ‌های مختلف درمی‌آید؟ این همه سیاست‌ها و رفتارهای متضاد و ناهمخوان درون جمهوری اسلامی را چگونه می‌توانید منطبق با یک گفتمان واحد بدانید؟ انقلاب اسلامی را یک حادثه نیندید. انقلاب اسلامی را یک منظومه فکری، ارزشی و هنجاری ببینید که معیاری برای نقد سیاست‌ها و رفتارهای جمهوری اسلامی است. از زمانی که جمهوری اسلامی شکل گرفته است شمار قابل توجهی از سیاست‌ها و رفتارهای دولت‌مردان ما ارتباط منظومه‌ای و راهبردی با یکدیگر و با انقلاب اسلامی نداشته است (افروغ، ۱۳۹۷).



بنابراین، اگرچه انقلاب به مثابه یک نهضت^۱ در حرکت است، اما نظام مفهومی ایستا^۲ است. با وجود این، جمهوری اسلامی به عنوان یک موجودیت عینی، مولود و مولد انقلاب اسلامی است که میدان و شعاع عمل آن در چارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی تعریف شده است. به تعبیری، انقلاب اسلامی اعم از جمهوری اسلامی است و به بیان منطقیون دارای رابطه عموم و خصوص مطلق هستند.

گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر پایه یکسری اصول و مبانی بنا شده است. مهم‌ترین این اصول و مبانی که راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش؛ حمایت و دفاع از مسلمانان؛ احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی کشورها. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با سایر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار سازد و [شرایط را برای] استمرار مبارزه در [راه] نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان فراهم آورد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵).

لذا از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستم‌دیدگان و مظلومان و نفی استکبار است. در این زمینه، مسئله حمایت از مستضعفان در قبال مستکبران جهان بسیار بنیادین است و مورد توجه اساسی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بوده است، به طوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزبی جهانی به نام «حزب مستضعفین» را مطرح کردند.

در واقع، انقلاب اسلامی ایران حمایت از تمام مستضعفان و مسلمانان جهان و رهایی آنان از دست استکبار را سرلوحه کار خود قرار داده و درصدد بوده است آن چیزی (یعنی رهایی از سیطره قدرت‌های استکباری) را که در ایران واقع شد، به سایر کشورها نیز انتقال دهد و صادر کند. هدف انقلاب اسلامی ایران گسترش گفتمانی خود در سایر ملت‌های مسلمان و کشورهای منطقه است، که علاوه بر امنیت پایدار ملی به ثبات و امنیت منطقه‌ای نیز کمک کند.

1. movement
2. Static

یکی از مهم‌ترین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران مقابله با ترتیبات امنیتی و نظم سیاسی مطلوب امریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی و در نتیجه، شکل‌گیری محور مقاومت بوده است. محور مقاومت نه یک محور منطقه‌ای که یک محور و مدار جهانی با حفظ وحدت و انسجام مستضعفان عالم است. کما اینکه انقلاب اسلامی به تعبیر امام خمینی (ره) انقلاب مستضعفان عالم بود و مستضعفان را با منطق قرآن، وارثان زمین می‌دانست.^۱ انقلابی که هدفش نجات انسان است و بس؛^۲ هدایت از ظلمات و تاریکی به سمت روشنایی و نور: «من الظلمات الی النور». لذا آرمان‌های انقلاب اسلامی قلب و ذهن هر انسان آزاده‌ای را به خود جذب کرده است؛ آرمان‌هایی که در هر دو بعد ایجابی (آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، استقلال‌گرایی) و سلبی (امریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی، وهابیت‌ستیزی در چارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه)، موتور محرکه ملت‌سازی و دولت‌سازی است.

نگارنده چندی پیش مصادف با سالروز شهادت رئیس علی دلواری و روز ملی مبارزه با استعمار، در نامه‌ای سرگشاده به وزیر امور خارجه وقت نکات متعددی را در چارچوب دیپلماسی نهضتی و گفتمان انقلاب اسلامی، به ویژه سه اصل ذیل تذکر داد:^۳

۱. کاربست دقیق قانون طلایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی؛ یعنی «نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» مورد تأکید بند ج اصل دوم و اصل ۱۵۲ قانون اساسی «به استناد آیه شریفه ۲۷۹ سوره بقره «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» در عرصه‌های مختلف دیپلماتیک؛

۲. تأکید بر دیپلماسی وحدت در چارچوب دکترین راهبردی مقام معظم رهبری؛ یعنی «تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه»؛

۳. فعال کردن دیپلماسی نهضتی در کنار سایر فعالیت‌های دیپلماتیک کشور به منظور حمایت همه‌جانبه از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش مورد تأکید اصل ۱۵۴ قانون اساسی.^۴

۱. «وَوَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵).
 ۲. معروف است که امام موسی صدر در لبنان گفته بود: «نحن هنا من أجل الانسان» یا «هنا اجتمعنا من أجل الانسان». یعنی ما برای خاطر «انسان بماهو انسان» اینجا مییم.
 ۳. جهت مطالعه متن کامل نامه سرگشاده روح‌الله قادری کنگاوری به دکتر ظریف رک: «نامه سرگشاده به وزیر امور خارجه»، خبرگزاری فارسی، ۱۳۹۲/۶/۱۲؛ <https://www.farsnews.com/news/۱۳۹۲۰۶۱۳۰۰۱۲۷۶/۱۳۹۲/۶/۱۲>
 ۴. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز درباره حمایت از مستضعفان آمده است: «جمهوری اسلامی ایران ... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»



بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران همواره در جایگاه ام‌القرای جهان مقاومت، مخالف سلطه‌گرایی، چه از نوع غربی و چه از نوع شرقی آن بوده و بر این اعتقاد است که در شرایط فعلی، ساختار قدرت (قدرت به مثابه ناموس روابط بین‌الملل رایج) در نظام بین‌الملل اگر براساس نمادهایی از موازنه‌گرایی مادی و معنوی - متقارن و نامتقارن - میان سلطه‌گران و سلطه‌ستیزان شکل گیرد و سازمان‌دهی شود، زمینه‌های صلح و ثبات سیاسی و بین‌المللی افزایش می‌یابد. از این رو، ایجاد و حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی پایدار و حقیقی منوط به کار بست «گفتمان مقاومت» و «پارادایم برخورد با سلطه» است؛ لذا حفظ رهیافت ستیزندگی و رویکرد تهاجمی انقلاب یعنی سلطه‌ستیزی به طور اعم و امریکاستیزی و صهیونیسم‌ستیزی به طور اخص، جزء لاینفک هویت و بلکه امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی تلقی می‌شود و در صورت تغییر چنین رویکردی، اصل نظام دچار بحران هویت و بلکه ناامنی هستی‌شناختی خواهد شد. عزّت، حکمت و مصلحت نظام اسلامی در پرتو مقاومت هوشمند،^۱ نفی سلطه و هرگونه سلطه‌گری معنا پیدا می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، ایران اسلامی نه ستم می‌کند و نه ستم می‌پذیرد و حتی نسبت به ظلم ظالمان در حق دیگران هرگز بی‌تفاوت نخواهد بود (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ۶-۵).

بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران با هدف نجات انسان در چارچوب دکترین تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه، هر فرد، جریان، جنبش و دولتی را که مخالف استکبار جهانی و نظام سلطه در چارچوب آرمان‌های ایجابی و سلبی انقلاب باشد، در هر نقطه از جهان متحد طبیعی^۲ خود می‌داند. از این منظر، انقلاب اسلامی که به دنبال بازنگری جدّی و شالوده‌شکنی بنیادین در ساختار و قواعد بازی حاکم بر نظام بین‌الملل است، هرگز نمی‌تواند و نباید با نظام سلطه که همواره به دنبال استعمار، استعباد، استثمار، استضعاف، استکبار، استعمار، استبداد، استخفاف و تحقیر سایر ملّت‌هاست، همزیستی مسالمت‌آمیز راهبردی دائمی داشته باشد؛ در غیر این صورت، هویت و بلکه امنیت هستی‌شناختی^۳ آن مورد خدشه و تهدید جدّی قرار خواهد گرفت. لذا طرح مسائلی مثل نرمالیزاسیون^۴ و عضو نرمال و عادی جامعه بین‌الملل شدن، نظام جمهوری اسلامی ایران را در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی

1. Smart Resistance
2. natural ally
3. Ontological Security
4. normalisation

بین‌المللی^۱ متناسب با نظم ظالمانه، ناعادلانه و سلطه‌طلبانه جهانی کنونی قرار می‌دهد و انقلاب را دیر یا زود از درون دچار چالش نظری و بحران سیاسی خواهد کرد.

ناگفته پیداست که جمهوری اسلامی یک «نظام انقلابی» است و هرگونه کاربست مقاومت و دیپلماسی نهضتی در چارچوب دوگانه‌های به‌ظاهر متناقض اما به‌واقع زیبا، دقیق و عمیق است که معنا و هویت می‌یابد؛ دوگانه‌هایی مثل: دنیا و آخرت، زندگی و بندگی، عقل و شرع، دیانت و سیاست، جمهوریت و اسلامیت، جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، اصلاح‌گری و انقلابی‌گری، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و آنچه موضوع این کتاب است؛ یعنی «دیپلماسی نهضتی» - امری رسمی در کنار پدیده‌ای غیررسمی - از آثار، ابداعات و برکات انقلاب اسلامی است؛ که شاهد مثال آن همزیستی راهبردی دو اصل قانونی «عدم مداخله» و «حمایت از نهضت‌ها» در اصل ۱۵۴ قانون اساسی است. اساساً مسئله «حمایت» به معنای دفاع از ملل مظلوم و مورد ستم متفاوت از موضوع «مداخله» به معنای تهاجم و تجاوز به سایر ملل است؛ اولی، کاملاً مشروع و قانونی است و دومی، طبق حقوق بین‌الملل رایج نامشروع و غیرقانونی!!^۲

چارچوب مفهومی و نظری

۱. مفهوم نهضت و جنبش

به لحاظ لغوی «النهضة» معادل رنسانس^۳ است و «جنبش» معادل واژه «الحركة» در زبان عربی و Movement در زبان انگلیسی است. برای مثال، «النهضة الاسلامیه» یعنی رنسانس اسلامی و «حركة المقاومة الاسلامیه» به معنای جنبش مقاومت اسلامی است. لذا «نهضت» در اینجا ناظر بر بیداری است و «حرکت» ناظر بر به جریان افتادن نوعی خیزش عمومی هدفمند.

1. International Political Socialization

۲. بسیاری از صاحب‌نظران حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل توان درک این موضوع را ندارند و با آن به مخالفت برمی‌خیزند. در این زمینه، هنری کیسینجر معتقد است: «ایران باید تصمیم بگیرد که یک کشور (دولت نرمال) country (normal state) یا یک جنبش (دولت انقلابی) cause (revolutionary state) باشد. رک:

- Iran's dilemma: a country or a cause-Los Angeles Times. Available at: <https://www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-0124-mcmanus-iran-symbolism-20160124-column.html>

- Henry Kissinger put it best when he said that Iran has to decide whether it's "a nation or a cause". Available at:

- <http://foreignpolicyblogs.com/2013/05/06/a-candid-dicussion-witj-karim-sadjadpour/>

3. Renaissance



جنبش اسم مصدر از جنبیدن است که ابتدا در علم نجوم کاربرد داشته و همانند واژه انقلاب از این علم در علوم سیاسی به عاریت گرفته شده است. به طور کلی در علوم سیاسی و علوم اجتماعی، جنبش، به حرکت‌ها و خیزش‌های فکری و اجتماعی گفته می‌شود که در صدد اصلاح جامعه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی یعنی از توزیع قدرت سیاسی تا توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های مادی و معنوی و از اصلاح فکری، فرهنگی تا اصلاح نظام سیاسی باشند (صدقی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). از سوی دیگر، نهضت به معنای حرکت و خیزش برای قیام علیه امر و وضع نامطلوب تعریف شده است. نهضت زمینه‌ساز و بسترساز وقوع تحولات مهم است. آنچه نهضت برای آن به وقوع می‌پیوندد و برای آن زمینه‌سازی می‌کند، به نهضت هویت می‌دهد (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۷۲).

«تام باتامور» یکی از جامعه‌شناسان سیاسی، نهضت را کوشش جمعی برای رسیدن به هدف یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می‌کند. استاد شهید مرتضی مطهری، نهضت را حرکت اصلاح‌طلبانه اجتماعی می‌داند که به دنبال تغییر وضع موجود به وضعی مطلوب است. در تعریفی دیگر، نهضت به معنی «هیجان، حرکت مردمی و کوشش جمعی برای رسیدن به هدفی روشن به‌ویژه دگرگونی در بعضی نهادهای اجتماعی» آمده است که در این معنا، نهضت در برابر احزاب یا گروه‌های فشار در نظر گرفته می‌شود. دکتر موثقی، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را از مقوله تغییر و تحول اجتماعی می‌داند. دکتر حمید احمدی، یکی دیگر از استادان صاحب‌نظر درباره نهضت‌ها، با مفهوم اقدام جمعی به تبیین مفهوم نهضت پرداخته است. اقدام جمعی به عنوان یکی از مفاهیم مهم جامعه‌شناسی سیاسی، دارای رهیافت‌های مختلف است. دکتر احمدی نهضت را گروه‌های سازمان‌یافت‌های در نظر گرفته که در پی دستیابی به اهدافی خاص هستند. با توجه به تعاریف ارائه‌شده از دیدگاه‌های مختلف، می‌توان گفت نهضت پدیده‌ای اجتماعی است که براساس فکری اصلاح‌طلبانه، بشری یا الهی در صدد تحول در ابعاد مختلف حیات اجتماعی با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز جمعی یا جز آن بوده است و لزوماً به انقلاب ختم نمی‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، نهضت یا جنبش، مولود اجتماعی است که اغلب دغدغه اصلاح نظم سیاسی و اجتماعی را در یک جامعه دنبال و همدلی و همراهی فکری و عملی مردم را جلب می‌کند. همچنین به شکلی مسالمت‌آمیز برای تحقق امور و تفکر اصلاحی

در قالب نهادها و سازمان‌های سیاسی قانونی یا گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و شبه‌نظامی غیرقانونی مبارزه می‌کند (صدقی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۵).

به طور کلی از مجموعه تعاریف فوق می‌توان نهضت را سازمان‌دهی، پشتیبانی و هدایت جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی در مقابله با نظام سلطه جهانی دانست. جنبش‌های اسلامی و غیراسلامی استکبارستیز در «محور مقاومت»، امریکا و حلقه‌های حامی او در «محور سلطه‌گران» قرار می‌گیرند. لذا مدیریت نهضتی به دنبال حمایت و تقویت محور سلطه‌ستیزان است. نهضت‌های سیاسی و اجتماعی را می‌توان به انواع مختلفی تقسیم کرد که مبنای این تفکیک تفاوت آنها در ماهیت، شیوه مبارزه و هدف است.

۲. نظریه مقاومت

اینجانب در مقاله‌ای با نام «نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه» (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲) در سال ۱۳۹۲ و سپس کتاب نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴) در سال ۱۳۹۴ نظریه مقاومت^۱ را برای اولین بار در کشور مطرح و تئوریزه کردم.

واژه مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد «قَامَ» به معنای به پا خاستن و برخاستن و نیز پایدار ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن یا با هم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. در فرهنگ‌های لغت عربی چهار کاربرد برای این واژه آمده است:

۱. قَاوَمَ اَعْدَاءَ يَلَادِهِ: نَاضَلَ ضِدَّهُمْ، عَارَضَهُمْ بِالْقُوَّةِ: بر ضد آنان مبارزه کرد.

۲. ظَلَّ يَقَاوِمُ الْمَرَضَ: يَصَارِعُ الْمَرَضَ، يُوَاجِهُهُ: در برابر بیماری مقاومت و ایستادگی کرد.

۳. قَاوَمَهُ فِي الْمَصَارَعَةِ: غَالَبَهُ: بر او چیره شد.

۴. قَاوَمَهُ فِي حَاجَةٍ: قَاوَمَ مَعَهُ فِيهَا: در نیازی با او مجادله و محاجه کرد.

بنابراین، معنای غالب در واژه مقاومت، «ایستادگی و مقاومت کردن» در برابر چیزی است که توازن و تعادل را بر هم زده است؛ خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی، خواه بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغالگری. در علم صرف عربی آمده است که دو باب «مفاعله» و «تفاعل» برای مشارکت کاربرد دارد که اولی، مشارکت یک طرفه و دومی،



مشارکت دو طرفه را می‌رساند. نکته قابل توجه در فعل «قَامَ» این است که آن فعل تنها در باب مفاعله کاربرد دارد؛ زیرا پایداری و مقاومت، زمانی به کار می‌رود که یک طرف به دلایلی بر طرف دیگر غالب شود و طرف مقابل می‌بایست در برابر آن از خود پایداری نشان دهد و یک مقاومت یک طرفه به دست می‌آید و به همین دلیل، این ریشه در باب «تفاعل» کاربرد ندارد. نکته دیگر هم‌نشینی حرف «ق» که در تلفظ از حروف قوی بوده، با حرف مد «ا» است که پایداری و ایستادگی در برابر چیزی را می‌رساند. لذا مقاومت محدود به رویارویی در میدان جنگ نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم‌زننده تعادل و توازن را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، مقاومت یک وجه قتالی نیست، بلکه رویارویی فرهنگی، تبلیغاتی، تربیتی، اخلاقی، سلوکی و اقتصادی، سیاسی و نظامی است (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۰).

مقاومت، به عنوان نقطه تلاقی مصالح اسلامی و منافع ملی (عمق‌بخشی و بازدارندگی)، ضامن استقلال و اساساً مرز میان حق و باطل و بلکه شاخص مرزبندی با دشمن است که از طریق دیپلماسی نهضتی با «سلطه» و «اشغال» از یک طرف، «الحاد» و «تکفیر» از طرف دیگر به یک میزان مبارزه و مقابله می‌کند؛ یعنی مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و همچنین مقابله با اسلام‌هراسی و افراط‌گرایی. البته این بدان معنا نیست که دیپلماسی نهضتی فقط به دنبال مبارزه سلبی است، بلکه «نظام‌سازی» یکی از اهداف اصلی آن است؛ یعنی رد و نفی نظام‌های وابسته و ایجاد نظام‌های مقاوم در محور مقاومت؛ کما اینکه پس از «لا اله»، «الا الله» مطرح می‌شود.

مقاومت، حرکت جوهری سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. مقاومت به مثابه الگوی بومی پیشرفت و اقتدار، هم «بازدارندگی» ایجاد می‌کند و هم «سازندگی». مقاومت، زاینده علم کوثری - و نه علم تکاثری - بوده، حرکتی برخلاف جریان اصلی نظام سلطه است.^۱ مقاومت به مثابه معیار، میزان و شاخص طلایی دیپلماسی نهضتی، پادزهر تمام نقشه‌ها و شیطنت‌های دشمن و بلکه هر توطئه استکباری است. امروزه، مقاومت با الهام از قیام عاشورا و نهضت حسینی، مرزهای ساختگی و تصنعی مسموم و تاریخی میان عرب و عجم را از بین برده و هر دورا و بلکه همه آزادی‌خواهان عالم را در یک صف واحد مقابل استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل قرار داده است. لذا حمایت

1. Swimming upstream in a downstream world

همه‌جانبه و تمام‌عیار ایران از مقاومت، نقطه تلاقی سیاست اعلانی و اعمالی نظام و شاید تنها حوزه سیاست خارجی است که بسیار شفاف، صریح و قاطع دنبال می‌شود.

گفتمان مقاومت در قالب «پارادایم برخورد با سلطه و ستم» از منظر اسلامی و انسانی آن، توانسته تمام معادلات مفهومی و سیاسی «نظام سلطه» (کشورهای سلطه‌گر و مستکبر) و «نظام تسلیم» (کشورهای وابسته و دنباله‌رو) را به کلی دگرگون سازد. بر این اساس، باور به مقاومت باعث شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخش^۱ شده است. به عبارت دقیق‌تر، نهضت‌های آزادی‌بخش مدلول^۲ دال^۳ مقاومت‌اند. این مسئله، در منطقه جنوب غرب آسیا بیشتر موضوعیت یافته است؛ زیرا دیر زمانی است به دلیل حضور صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها (پیوند شوم میان صهیونیسم مسیحی و صهیونیسم یهودی)، ژئوپولیتیک منطقه، تبدیل به ژئوپولیتیک مقاومت شده است.

نظریه مقاومت در چارچوب جهان‌بینی توحیدی و معرفت‌و حیانی به عنوان یک نظریه‌رهایی‌بخش در قالب پارادایم سلطه‌ستیزی و برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت^۴ انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و با هدف غریب‌زدایی^۵ از مناسبات قدرت و سیاست بین‌الملل نظریه‌پردازی شده است. بدون شک، چنین مقاومتی - مقاومت پویای مُنبعث از انقلاب اسلامی و نه مقاومت منفعلانه - برگرفته از متن قرآن و سنت رسول الله الاعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. می‌توان تأکید کرد که شکل‌گیری «پارادایم کربلا»^۶ بر دو پایه «هیئات منا الذله» با هدف دفاع از کرامت و عزت آدمی و «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و کل شهر محرم» با هدف تداوم ابدی فرهنگ عاشورا در هر عصری و نسلی و در هر زمانی و هر زمینی، توانسته است گفتمان قدرت مقاومت^۷ و بلکه سیاست مقاومت^۸ را در تقابل با سیاست قدرت^۹ غربی ارائه دهد.

نظریه مقاومت بیانگر روایت دیگری از متن سیاست و روابط بین‌الملل مبتنی بر تزویر^{۱۰} و

1. Resistance/Liberation Movement
2. Signified
3. Signifier
4. Narrative Power
5. dewesternoxication

۶. پارادایم کربلا (Karbala Paradig) منبعث از این کلام تاریخی و انقلابی حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) در روز عاشورا خطاب به جبهه دشمن است که فرمود: «أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ بِنِ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلْهِ وَ الدَّلْهِ وَ هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلْهِ».

7. resistance power
8. resistance politics
9. power politics
10. Hypocrisy



معیارهای دوگانه^۱ است. نظریه مقاومت با مبانی فرانظری هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه متعالی، رویکرد جدید و نوینی را مطرح می‌کند که دارای رگه‌های شالوده‌شکنانه نسبت به ساختار و عملکرد نظام بین‌الملل نیز هست. لذا نظریه مقاومت مبتنی و متکی بر یک‌سری مبانی محکم اعتقادی و عقلائی جهان‌شمول، از جمله [نفی] نظام سلطه و سلطه‌گری، قاعده نفی سبیل، حق تعیین سرنوشت، جهاد و حق دفاع مشروع است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۷۲-۴۲).

نظریه مقاومت از یک منظر، مبتنی و متکی بر «الهیات رهایی‌بخش» و «رنج متعالی» است و این الهیات بخشی از مبانی فلسفی و کلامی گفتمان مقاومت، راهبرد نهضتی و دیپلماسی نهضتی را تشکیل می‌دهد. الهیات رهایی‌بخش تفسیری از الهیات دینی است که بر آزادسازی ملل مستضعف، مظلوم و تحت ستم سراسر جهان تأکید می‌کند (Ghadery Kangavari, 2017 and 2018). الهیات رهایی‌بخش یا آزادی‌بخش^۲ به عنوان یک بحث جدید در حوزه الهیات بر این اساس استوار است که خداوند می‌خواهد تمام ابعاد انسان نجات یابد، نه فقط بعد روحی او (توماس، ۱۳۸۷: ۱۲۸) در واقع، این اصطلاح به لحاظ نظری به هر الهیاتی اطلاق می‌شود که شرایط ظالمانه را مورد خطاب قرار می‌دهد یا با آن درمی‌افتد. اما در عمل، این اصطلاح برای اشاره به شکل کاملاً متفاوتی از الهیات به کار می‌رود که ریشه در اوضاع و احوال امریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد. در سال ۱۹۶۸ اسقف‌های کلیسای کاتولیک در امریکای لاتین در همایشی که با علامت اختصاری CELAM II در مدلین^۳ کلمبیا شناخته می‌شود، ضمن اعتراف به اینکه تاکنون کلیسا در این منطقه معمولاً جانب دولت‌های ظالم را گرفته است، اعلام کردند که از این به بعد، کلیسا جانب تهنی‌دستان را خواهد گرفت (آلیستر، ۱۳۸۴: ۲۳۱-۲۳۰). در چنین شرایطی، نهادهای حاکمیتی با سوءاستفاده از آموزه‌های مسیحیت کلاسیک، سعی در توجیه شرایط موجود یعنی دو مسئله استعمار خارجی و استبداد داخلی به نفع خود داشتند. این دولت‌ها که معمولاً دست‌نشانده استعمارگران کهنی، مانند اسپانیا، پرتغال، انگلیس و بعضاً امریکا بودند، با کلیسای کاتولیک رم ارتباطات خوبی داشتند و به شکل‌های مختلف تلاش می‌کردند تا از آموزه‌ها و اتوریته مذهبی کلیسای کاتولیک برای حفظ وضع موجود استفاده کنند.

1. Double Standards
2. Liberation theology
3. Medellin

در این رهیافت، عدالت پیش‌فرض و پیش‌نیاز ایمان و معنویت است. اساساً هدف این گفتمان آزادسازی جامعه از استعمارگران خارجی و حکومت‌های خودکامه داخلی بود که هر دو پشت مسیحیت کلاسیک و الهیات و حیانی کلیسای کاتولیک سنگر گرفته بودند. الهیات رهایی‌بخش، استعمال خاصی از الهیات سیاسی در باب فقر و ظلم است. بنابراین الهیات رهایی‌بخش با نوعی تعهد در برابر فقرا و مبارزه برای آنان آغاز می‌شود. الهی‌دانان آزادی‌بخش با تأکید بر حضور دین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، معتقدند که الهیات باید در برابر آرمان رهایی و آزادی از وضعیت کنونی مستضعفان و ستم‌دیدگان متعهد باشد (عبانی، ۱۳۹۰).

ناگفته نماند که برخی از طلاب و حوزویان حوزه‌های علمیه ایران مطلع از جریان فکری جهان مسیحیت، درصدد توسعه ارتباطات با رهبران الهیات رهایی‌بخش بوده‌اند. مواضع همدلانه رهبران این جنبش فکری - مذهبی با مواضع استکبارستیزانه جمهوری اسلامی نیز قابل تأمل است. شاید به همین دلیل باشد که دستگاه دیپلماسی کشور ما در طول دوران بعد از انقلاب نگاهی مثبت به امریکای لاتین داشته است.

مع‌الوصف، یکی از نکات مهمی که در مسئله مقاومت باید به آن توجه داشت، مردمی کردن و جامعه‌پذیر کردن مقاومت^۱ در کنار مقاومت نهادینه‌شده و سازمانی^۲ است. مردمی کردن مقاومت نه تنها هزینه‌های سیاسی - اجتماعی حمایت از دولت‌های همسو با مقاومت را در جامعه هدف کاهش خواهد داد، بلکه می‌تواند خنثی‌کننده توطئه‌های دشمن در بزنگاه‌های تاریخی و شرایط سخت دولت مقاومت نیز باشد. از طرف دیگر، در فرایند انتخابات دموکراتیک و چرخش نخبگان، به دلیل تربیت نسل جدیدی از رهبران مقاومت، نگرانی بابت از دست دادن دستاوردها و ظرفیت‌های مقاومت در کشور هدف به واسطه تغییر رهبران سیاسی مرتفع خواهد شد. به عبارت دیگر، ما نباید فقط به تعامل و همکاری با رهبران سیاسی و حتی رهبران مذهبی محدود و انگشت‌شمار معتقد به مقاومت دل‌خوش باشیم و به همان بسنده کنیم، بلکه باید ذهن و قلب مردم جامعه نیز پذیرای گفتمان مقاومت باشند. در این صورت، با جابه‌جایی احزاب، اشخاص و دولت‌ها جامعه هرگز به دولت ضد مقاومت و سازشکار در برابر استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل رأی اعتماد نخواهد داد. در اینجا

1. Socialized resistance
2. Organized resistance



مسئله شکل‌گیری جریان‌های فکری و سیاسی مقاومت و به ویژه احزاب کارکردگرای مقاومت باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

صورت‌بندی دیپلماسی نهضتی

مقاومت‌پژوهی و مطالعات نهضتی، مؤثرترین و حساس‌ترین حوزه مطالعات امنیتی و راهبردی کشور و در سیاست خارجی انقلاب اسلامی است که به طور مستقیم بر منافع و امنیت ملی کشور تأثیر دارد. گفتمان مقاومت و دیپلماسی نهضتی با هدف بیدارسازی و آگاه‌سازی ملت‌ها، از منظر اسلامی و انسانی آن توانسته معادلات مفهومی و سیاسی نظام سلطه را متأثر سازد؛ زیرا اساساً ماهیت و جنس مقاومت (از حیث اهداف و ابزار مورد استفاده، یعنی شیوه مبارزه) با مفهوم تروریسم تفاوت فراوانی دارد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ۸).

دیپلماسی نهضتی محصول باور به «الهیات رهایی‌بخش» و «رنج متعالی» است و گفتمان مقاومت ریشه در آرمان نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» دارد؛ آرمانی که براساس سنت‌های الهی و فطرت پاک بشر شکل گرفته و در چارچوب واقعیات محقق می‌شود. لذا رویکرد مقاومت مبتنی بر آرمان‌گرایی واقع‌بینانه است. با منطبق قرآن، هر طاغوت و هر ظالم فاسد ولو در اوج قدرت و عظمت مادی، در نهایت فروخواهد پاشید.^۱ مشروط به این که مجاهدان خدا، مقاومت را رها نکنند و از خود استقامت نشان دهند و آنجاست که با اطمینان خاطر و قوت قلب خواهند گفت: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي».^۲ این وعده قطعی و حتمی خداست که متأسفانه هیچ جایگاهی در مبانی علم سیاست متعارف و نظریه‌های روابط بین‌الملل رایج ندارد.

دیپلماسی نهضتی در ظاهر ترکیبی نامتجانس دارد؛ زیرا از ترکیب دیپلماسی به عنوان امری رسمی و نهضت به مثابه رویکردی غیررسمی ایجاد شده است. ترکیب دیپلماسی و نهضت به این معنی است که یک ابزار رسمی (دیپلماسی) باید در خدمت هدفی غیر رسمی (نهضت) قرار گیرد. این مسئله به ارائه تعاریف گوناگونی از دیپلماسی نهضتی منجر شده است، از جمله:

۱. دیپلماسی نهضتی روشی برای نهضت‌سازی و توانمندسازی نهضت‌های موجود و

ارتقای وضعیت آنها در جوامع خود و در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است؛

۱. «وَفَرَعُونَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾» (فجر / ۱۰-۱۱).
۲. « قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ » (شعرا / ۶۲).

۲. دیپلماسی نهضتی، روشی در مواجهه با دولت‌ها و سازمان‌های رسمی، به منظور پیشبرد امور نهضتی است.

یکی از راه‌های رهایی از نظام سلطه، مقاومت و متناوب آن دیپلماسی نهضتی است. در واقع دیپلماسی نهضتی، تاکتیک اجرای راهبرد مقاومت است. نوک پیکان دیپلماسی نهضتی به سمت نظام سلطه است، اما نه صرفاً معطوف به تک‌تک بازیگران این نظام، بلکه متوجه ساختار نظام است تا اجزای آن را با چالش مواجه کند. بدین معنی که دیپلماسی نهضتی علاوه بر آنکه به توان داخلی و دفاعی بازیگران نظام سلطه آسیب می‌زند، همکاری موجود بین آنها و توانایی به‌کارگیری سایر بازیگران توسط یک بازیگر قدرتمندتر را نیز کاهش می‌دهد (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۲). اصول سیاست خارجی اسلام، از جمله اصل ظلم‌ستیزی و نفی سبیل، اصل عدالت‌خواهی، اصل عزت و کرامت، اصل دعوت و اصل جهاد ریشه‌ها و بنیانهای نهضتی را شکل می‌دهند (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۵).

نگارنده این مقاله دیپلماسی نهضتی را «تلاش و مجاهدت اعتقادی و ایمانی نیروهای مردمی و دولت‌های حامی مقاومت با هدف بسیج مستضعفان عالم علیه نظام سلطه در جهت ترویج و تثبیت گفتمان مقاومت و رفع طاغوت از سراسر عالم» می‌داند. طبق این تعریف مقاومت و دیپلماسی نهضتی هرگز محدود و محصور در میان مسلمانان و جهان اسلام نیست.^۱ درست به همین دلیل، بنیان‌گذار انقلاب کبیر اسلامی ایران معتقدند: «نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام، همان نهضت انبیاست» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۴۶).

امام راحل در سخنان خود بارها به این مهم اشاره کرده‌اند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت (عج) است، که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۲۷). «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الاله و محمد رسول‌الله بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست، و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۴۸). «ما به تمام

۱. به تعبیر زیبا و عمیق سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، «حیث یجب أن نكون سنكون» یعنی هر جا به حضور مقاومت نیاز باشد، فی الفور آن‌جا خواهیم بود. <http://www.irna.ir/ar/News/۸۱۹۶۷۱۲۹>



جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. روشن‌فکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بیمایند و تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند. اسلام مواضع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۲۵).

در این زمینه، مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای نیز در مراسم بیعت طلاب و روحانیون مورخ ۴ تیرماه ۱۳۶۸ می‌فرمایند: «از آنجا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه شریعت اسلام ناب محمدی (ص) استوار شده است، نمی‌تواند به مرز، ملیت و قومیت خاصی محدود باشد. مسئله این نیست که ملت ایران یا مسئولان این کشور بخواهند با روش‌های معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح می‌شود، به طور طبیعی همه فضای عالم اسلام بنا بر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهند کرد.» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2110>)

لذا دیپلماسی نهضتی محصول باور به گفتمان مقاومت است و این گفتمان در نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری «لا تَظْلَمُونَ وَ تُظْلَمُونَ» ریشه دارد. از این رو، مقاومت رویکردی مبتنی بر «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» دارد. دیپلماسی نهضتی با هدف تقویت خودباوری ملت‌ها، رگه‌ها و لایه‌هایی از هر سه نوع دیپلماسی «دولتی، عمومی و پنهان» را در خود دارد. اما پایه و بستر دیپلماسی نهضتی، در تعامل با جوامع مظلوم و مستضعف جهان با هدف بیدارسازی و تحقق عدالت با کمک خودشان انجام می‌پذیرد. این درست هدف تمام انبیا بوده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵).^۱ براین اساس دیپلماسی نهضتی، هدف نهایی خود را حمایت از نهضت‌ها، ملت‌ها و

۱. بنا به گفته مفسران قرآن کریم، چون «ناس» به معنای مردم، ضمه آمده است نه فتحه؛ لذا مردم فاعل عدالت هستند و انبیای الهی با کمک خود مردم و بلکه به دست خودشان عدالت را برقرار می‌کنند و لسان الغیب چه زیبا عدالت را زیربنای صلح و ثبات جهان تعبیر کرد: ساقی به جام عدل بده تا گدا/ غیرت نیاورد که جهان برپا کند.

دولت‌هایی قرار داده است که هر یک به نحوی درگیر معضلاتی همچون اشغالگری، استبداد، سرکوب، استعمار، مداخله خارجی و ... هستند. در این راستا دیپلماسی نهضتی عموماً با نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌هایی سروکار دارد که از یک یا چند عامل رنج برده، دچار آسیب شده‌اند:

۱. ملت‌هایی که به واسطه وجود حکومت‌های سرکوبگر تحت فشار هستند و حقوق شهروندی آنها در ابعاد مختلف نادیده گرفته، به انحای مختلف بر تمام یا بخشی از آنها فشار وارد می‌شود.

۲. ملت‌هایی که به دلایل مختلف سرزمین آنها تحت تهاجم خارجی قرار گرفته است و توان مقابله با قدرت خارجی را ندارند. برای نمونه می‌توان اقدام‌های دیپلماسی نهضتی در عراق و افغانستان یا اقدام‌های دیپلماسی نهضتی در کشورهای یمن و بحرین اشاره کرد.

۳. ملت‌هایی که بخشی یا تمام سرزمین‌های آنها در اشغال نیروهای متخاصم قرار گرفته است. نمونه واضح آن، اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط رژیم غاصب اسرائیل است که دیپلماسی نهضتی توانسته به انحای مختلف از مردم فلسطین حمایت کند.

۴. دولت‌هایی که به دلیل توطئه‌های خارجی با پدیده‌هایی نظیر تروریسم و افراط‌گرایی مواجه شده و مورد حمله قرار گرفت‌ه‌اند. در چنین شرایطی، دیپلماسی نهضتی وارد عمل می‌شود و با کمک به این دولت‌ها، نقش مهمی در برقراری ثبات و امنیت ایفا می‌کند. از نمونه‌های بارز عملکرد دیپلماسی نهضتی در این حوزه می‌توان به سوریه و عراق اشاره کرد. (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۱).

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در راستای اهداف پیامبران است و همواره یکی از مهم‌ترین اهداف و اصول آن حمایت از مستضعفان عالم بوده است که به نام نهضت مستضعفان نیز معروف است. آنچه از این اندیشه گفتمانی فهمیده می‌شود، مبارزه با استکبار و ظلم‌ستیزی از مبانی اصلی این انقلاب بوده و حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش نیز از گفتمان آن به شمار می‌آید که این اندیشه، شالوده و مبانی دیپلماسی نهضتی را تشکیل می‌دهد. اهداف و رویکرد انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، در دیپلماسی نهضتی اسلامی، مردمی و فرهنگی است که با تکیه بر اصول اسلامی و مقاومت مردمی و تعامل و تبادل فرهنگی با سایر ملل و مذاهب تحقق می‌یابد. این فرهنگ مبتنی بر فطرت بشری



است. در دیپلماسی نهضتی آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و گفتمان انقلاب اسلامی و مظهر آن عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان و مظلومان و استکبارستیزی در سطوح منطقه‌ای و جهانی وجود دارد. دیپلماسی نهضتی برای جمهوری اسلامی ایران، بهترین نوع دیپلماسی است که نه تنها می‌تواند بسیاری از مشکلات را رفع کند، بلکه توان تأثیرگذاری و ظرفیت‌سازی منطقه‌ای و جهانی نیز دارد.

البته در میان انواع دیپلماسی‌های رایج، دیپلماسی عمومی به نسبت دیپلماسی رسمی و پنهان، قرابت بیشتری با مفهوم دیپلماسی نهضتی دارد؛ زیرا مخاطبان دیپلماسی عمومی نیز مردم در جوامع خارجی و به طور خاص‌تر گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد غیر رسمی هستند (میلسن، ۱۳۸۹: ۴۲). با وجود این، دیپلماسی نهضتی با دیپلماسی رسمی و عمومی دارای تفاوت‌های متعددی است. هدف در دیپلماسی نهضتی ترویج و تقویت باورهای اسلامی و انقلابی و در یک کلام، حفظ مصالح اسلامی از طریق تعامل مستمر با افراد، عامه مردم، نخبگان، نهادها و تشکل‌های مدنی است؛ اما هدف در دیپلماسی رسمی کسب و حفظ منافع ملی از طریق تعامل با دولت‌ها و نهادهای رسمی و دولتی است. به عبارت دیگر، دیپلماسی رسمی روابط خود را تنها و به صورت رسمی از طریق «دولت‌ها، نه ملت‌ها» پیگیری می‌کند و دیپلماسی نهضتی اصولاً و عموماً روابط سیاسی خود را از طریق «مردم و ملت‌ها دنبال می‌کند، نه دولت‌ها و ساختار رسمی»؛ مگر دولت‌های حامی مقاومت.

دیپلماسی عمومی به دنبال تقویت عشق و علاقه جامعه هدف نسبت به فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست کشور ام‌القرای مقاومت، یعنی ایران اسلامی است. اما دیپلماسی نهضتی بیشتر به دنبال تولید شناخت و بصیرت و ایجاد آگاهی و بیدارسازی ملت‌ها علیه کشورهای سلطه‌گر و ظالم جهانی است، به ویژه خطر استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل. در واقع، دیپلماسی نهضتی با هدف تقویت برائت و مخالفت مردم با مستکبرین از طریق گسترش فرهنگ مقاومت، می‌خواهد خود ملت‌ها به دولت‌هایشان فشار وارد کنند که از محور و مدار نظام سلطه خارج شوند و طبعاً اگر این اتفاق نیفتد و دولت‌ها تغییر رویکرد در سیاست سازشکارانه خود ایجاد نکنند، ممکن است در مقابل ملت‌هایشان قرار بگیرند. بنابراین، دیپلماسی نهضتی ابتدا به ساکن هرگز به دنبال جدایی و نفرت‌پراکنی^۱ میان ملت‌ها و دولت‌ها، ولو دولت‌های وابسته و ناهمسو با مقاومت، به دلیل وابستگی به جبهه استکبار و نظام سلطه، نیست.

به هر حال، همان‌گونه که قبلاً هم مطرح شد، براساس مبانی نظری و اندیشه بنیان‌گذار نهضت انقلابی و دیپلماسی نهضتی، «این دیپلماسی محدود به جغرافیا و زمانی خاصی نیست؛ بلکه فراگیر است. انقلاب اصیل و عظیم الهی، اسلامی، ایرانی ما ... جلوه‌ای از نهضت پر عظمت حضرت محمد رسول‌الله (ص) است که ولادت سعادت‌مند و هجرت حرکت بخشش در عصری واقع شد که ظلمات جهالت سراسر جهان را فراگرفته بود و قدرتمندان چون حیوان‌های آدم‌خوار، روزگار مستضعفین را تباہ کرده بودند. نهضت اسلامی مردم ایران در عصری که نمونه همان عصر جاهلیت است و در محیطی که سرنیزه جان‌نشین عدالت، و حبس و شکنجه و اختناق به جای آزادی، و فقر و فلاکت جایگزین رفاه و آسایش شده بود، پا گرفت» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۳۶). از سوی دیگر، امام خمینی (ره) هم پیش از پیروزی انقلاب و هم پس از آن، از نهضت‌های آزادی‌بخش و اصلاح‌طلب بدون حساسیت نسبت به گرایش‌های دینی و مذهبی آنان، حمایت می‌کرد که نمونه بارز آن، در نهضت مسلمانان فلسطین و قیام آنان برضد رژیم صهیونیستی آشکار است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۸۳).

در حال حاضر، یکی از روش‌های تقویت عمق راهبردی خارجی، حداکثرسازی بهره‌وری از ظرفیت بالای دیپلماسی نهضتی در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است؛ زیرا «توسعه همکاری‌های نهضتی» می‌تواند بستر افزایش رابطه با نهضت‌ها را در کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای اسلامی و همسایه فراهم کند. در واقع، دیپلماسی نهضتی قادر است ظرفیت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران را برای حل و فصل مسائل منطقه‌ای افزایش دهد. همچنین دیپلماسی نهضتی یک دیپلماسی روان، قابل دسترس و تسهیل‌کننده در سطح ملت‌ها و دولت‌هاست که می‌تواند در پیشبرد منافع ملی کشور و کاهش هزینه اقدام‌های دولت در برخی حوزه‌ها مؤثر باشد و قدرت چانه‌زنی کشور را در مسائل مختلف تقویت کند. چنان‌که تجربه سال‌های گذشته سیاست خارجی ایران نشان داده است، هرگاه در سیاست‌های منطقه‌ای، تلاش‌های وزارت امور خارجه با مشکل مواجه شده، دیپلماسی نهضتی توانسته تا حد زیادی مشکلات را برطرف کند. نمونه چنین امری را می‌توان در لبنان، فلسطین، عراق، سوریه، افغانستان، یمن و سایر کشورهای منطقه مشاهده کرد. از این رو، سایر نهادهای مرتبط با روابط خارجی باید با این نیرو همکاری کنند. در واقع، برای ایجاد یک دیپلماسی نهضتی مؤثر، باید همه ظرفیت‌ها در محیط ملی به مجری این دیپلماسی کمک نمایند؛ نوعی عملیات مشترک ملی با مدیریت و هدایت نیرو.



براین اساس می‌توان گزاره‌های زیر را به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دیپلماسی نهضتی در عرصه‌های نظری و عملی برشمرد:

۱. دیپلماسی نهضتی مفهومی در قالب قدرت ملی است و در خلأ عمل نمی‌کند، بلکه می‌توان زمینه‌های آن را در قالب سیاست بین‌الملل مشاهده کرد؛ به نحوی که می‌توان عرصه‌های تأثیرگذاری دیپلماسی نهضتی را در سطوح مردمی، دولتی، منطقه‌ای و جهانی مشاهده کرد.

۲. دیپلماسی نهضتی با هدف و آرمان یک کشور سروکار دارد؛ هدف و آرمانی که در راهبرد کلان ملی نهفته است.

۳. دیپلماسی نهضتی در حد اعلا‌ی خود مقوله‌ای راهبردی است که ابعاد پیچیده و فراگیر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی دارد. در واقع، دیپلماسی نهضتی، ترکیبی از فعالیت‌های سیاسی، نظامی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی است و به همین دلیل، تمام جوانب این دیپلماسی باید دارای ابعاد راهبردی باشد.

۴. دیپلماسی نهضتی بخشی از قدرت است که در کنار دستگاه سیاست خارجی، ظرفیت‌های کشور را در عرصه‌های گوناگون ارتقا می‌دهد. در واقع، مزیت دیپلماسی نهضتی آن است که دقیقاً در چارچوب منافع، اهداف ملی و سیاست خارجی عمل می‌کند و می‌تواند با خصوصیت هم‌تکمیلی خود، چرخه روابط خارجی را تکمیل کند. بنابراین، اگر دیپلماسی رسمی به گونه‌ای باشد که اهداف نهضتی نیز در آن دیده شود، دیپلماسی نهضتی پشتیبان آن اهداف خواهد بود. بر این اساس، با استفاده از دیپلماسی نهضتی می‌توان هم در قلوب ملت‌ها و هم در اراده تصمیم‌گیران کشورها نفوذ و منافع ملی را به تحقق هرچه بیشتر نزدیک کرد.

۵. آنچه باعث پیشبرد دیپلماسی نهضتی می‌شود، با سایر دیپلماسی‌ها متفاوت است. در واقع این شیوه از دیپلماسی دارای موازین و اصولی کاملاً مغایر با سایر دیپلماسی‌هاست؛ زیرا در دیپلماسی نهضتی علاوه بر ارتباط با دولت‌ها، با متن جامعه نیز ارتباط مستقیمی برقرار و شیوه‌های جدیدی از رابطه ایجاد می‌شود.

۶. در دیپلماسی نهضتی باید از اعمال سلیقه شخصی به شدت اجتناب کرد. تمام تصمیم‌ها باید از اتاق فکر منسجم و دارای طرح و برنامه بیرون بیاید.

۷. با توجه به آنکه دیپلماسی نهضتی فاقد چارچوب تئوریک و از پیش تعیین شده توسط سایر کشورهاست، چنانچه در داخل ایران به آن توجه کافی شود، می‌تواند به مثابه الگویی نوین از دیپلماسی بومی به سراسر جهان گسترش یابد (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۹۴-۹۳).

در مجموع دیپلماسی نهضتی به عنوان ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای پیشبرد مقاصد نهضتی و همچنین تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه است. به همین دلیل، به‌رغم آنکه وزارت خارجه اصلی‌ترین مسئول توسعه و حفظ روابط دیپلماتیک شناخته می‌شود، دیپلماسی نهضتی نیز می‌تواند در بسیاری از موارد راهگشای چالش‌ها باشد. در واقع، دیپلماسی نهضتی قادر است بر سطح و گستره روابط خارجی بیفزاید. در این زمینه، مهم‌ترین کارکرد دیپلماسی نهضتی برای ارتقای امنیت ملی ایران، افزایش توان قدرت نرم جمهوری اسلامی در میان اقشار مختلف مردم و تأثیرگذاری در افکار نهضتی ملت‌هاست. بررسی مفهوم، ماهیت، ریشه‌ها و بنیانهای دیپلماسی نهضتی بیانگر نوع جدیدی از دیپلماسی است که ابعاد و زوایای مختلفی دارد و می‌تواند در آینده، معادلات منطقه‌ای و جهانی را در نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد.

ناگفته نماند در بعضی حوزه‌های مأموریتی، بخشی از دیپلماسی نهضتی، ماهیت پنهان پیدا می‌کند یا ناگزیر می‌شود برای دستیابی به هدف نهایی خود، اقدام‌های دیگری نیز انجام دهد. این امر هنگامی اتفاق می‌افتد که نهضت‌ها در سازمان‌دهی خود و نیل به پیروزی نهایی با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه باشند. در این هنگام دیپلماسی نهضتی می‌تواند به روش‌های آموزشی برای ارتقای افکار و عقاید و همچنین سازمان‌دهی نهضت‌ها مبادرت ورزد. در این بین، برقراری هرگونه ارتباط میان کشور کانون با نهضت‌ها برعهده دیپلماسی نهضتی است که باید این عمل را با خلاقیت‌های خاص خود انجام دهد. نباید از یاد برد که دیپلماسی نهضتی به دلیل غیررسمی بودن، به اندازه سایر دیپلماسی‌ها میدان عمل گسترده‌ای در کشورهای هدف ندارد. بنابراین، ظرافت و حساسیت کار دیپلماسی نهضتی بیش از سایر انواع دیپلماسی‌هاست.



جایگاه مقاومت و دیپلماسی نهضتی در گام دوم

بیانیه مهم و راهبردی گام دوم انقلاب که از سوی رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای «حفظه الله» در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد، نسخه جهانی شدن انقلاب و نقشه راه انقلاب اسلامی در چله دوم انقلاب بوده و به عنوان سند بالادستی پس از قانون اساسی مورد توجه اصحاب دانش و سیاست قرار گرفته است. در فرازی از این بیانیه می‌خوانیم: «انقلاب پُرشکوه مَدّت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده است و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

ایشان ضمن بیان تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار»؛ به عنوان پدیده برجسته جهان معاصر می‌فرمایند: «جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علّت تحریم هم مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» که خطایی نابخشودنی است». همچنین تصریح می‌کنند که عزّت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزّت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرّک جدید نهضت‌بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه». (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

بنابراین، با دقت در ادبیات سراسر انقلابی متن بیانیه گام دوم، به روشنی مشخص می‌شود که تحقق اهداف بلند انقلاب در گام دوم بدون کاربست گفتمان مقاومت یعنی «اقتصاد



مقاومتی» در عرصه داخلی و «دیپلماسی نهضتی» در حوزه سیاست و روابط خارجی و در یک کلام، «نگاه وسیع فرامرزی و فرمانطقه‌ای به جغرافیای مقاومت» به عنوان یکی از واجب‌ترین واجبات - به تعبیر معظم له - امری ناشدنی و غیرممکن است و بلکه نظام و کشور را از اهداف و آرمان‌های انقلاب دور خواهد ساخت.

بنابراین در شرایط کنونی تحقق اهداف خارجی گام دوم انقلاب در سطح منطقه با چالش‌های جدی مواجه است که معظم له در متن بیانیه گام دوم به یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، یعنی «نفوذ نامشروع آمریکا» اشاره می‌کند: «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌روست، اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمّال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است».

لازم به توضیح است که منطقه جنوب غرب آسیا برخلاف سایر مناطق مهم و راهبردی دنیا چون قفقاز جنوبی و بالکان غربی که نوعی زیرسیستم امنیتی^۱ تلقی می‌شود و خواه ناخواه در چارچوب نظریه بازی‌ها^۲ محل مناقشه و منازعه ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ و فرمانطقه‌ای است، یک سیستم امنیتی مستقل است و به همین دلیل، جمهوری اسلامی ایران براساس مبانی محکم ارزشی و اصول انقلابی و همچنین با توجه به واقعیات کنونی و تاریخ منطقه، حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ را برنتافته، به رسمیت نمی‌شناسد و معتقد است که خود کشورهای منطقه - البته به استثنای رژیم صهیونیستی - باید نظام امنیت دسته‌جمعی و مشترک بومی را تشکیل دهند و اجازه مداخله و نقش‌آفرینی بازیگران فرمانطقه‌ای را از آنها سلب کنند. مخالفت جمهوری اسلامی ایران با حضور و نفوذ نامشروع آمریکا در منطقه هم درست از این مسئله ناشی می‌شود.

البته در این میان دیپلماسی نهضتی با چالش‌ها و موانع جدی مواجه است که تلاش می‌شود در بخش ذیل به برخی از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های آن اشاره شود. آنچه مسلم

1. Security subsystem
2. Game theory



است رویکرد مقاومت، برپایه رویکرد «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه»^۱ است. یعنی افق نگاه به سمت و سوی نوک قله است، اما به موانع و مشکلات پیش رو هم توجه دارد که لازم است آنها را به تیغ منطق و چاقوی عقل سپرد.

چالش‌ها و موانع پیش روی دیپلماسی نهضتی

۱. دیپلماسی نهضتی و مسئله مداهنه

یکی از مسائل مهم قرآنی در سیاست خارجی، اصل «مداهنه» است که در آیه ۹ سوره قلم می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»: کافران بسیار مایل‌اند که تو با آنها مداهنه و سازش کنی تا آنها هم (به نفاق) با تو مداهنه کنند. در اینجا قرآن به پیامبر (ص) می‌گوید: شل‌نگیری! دشمنان دوست دارند سست شوی، ولی تو محکم باش. لذا مداهنه را که در قرآن امری مذموم شمرده شده است، می‌توان به تعبیر عامیانه «ماست مالیزاسیون» نیز تعبیر کرد. در واقع، مداهنه آن روی سکه «دیانت سیاسی» (بخوانید سازش) است.

شایان توضیح است که کلمه «يُدْهِنُونَ» از مصدر «ادهان» است که مصدر باب افعال از ماده «دُهْن» است و دُهْن به معنای روغن، و ادهان و مداهنه به معنای روغن مالی و به اصطلاح فارسی «ماست‌مالی» است که کنایه از نرمی و روی خوش نشان دادن است. معنای آیه این است که این تکذیب‌گران، دوست می‌دارند تو با نزدیک شدن به دین آنان، روی خوش به ایشان نشان دهی؛ ایشان هم با نزدیک شدن به دین تو، روی خوش به تو نشان دهند؛ و خلاصه این که دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند و هر یک درباره دین دیگری مسامحه روا بدارید؛ هم‌چنان‌که نقل شده است که کفّار به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پیشنهاد کرده بودند تا به خدایانشان تعرض نکنند و ایشان هم متقابلاً متعرض پروردگار او نشوند (تفسیر المیزان، ج ۱۹: ۶۲۰).

بنابراین، مداهنه به معنای دست برداشتن از اصول، مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های الهی است تا مخالفان را خوش آید، که این کار از نظر قرآن کریم، کاری ناپسند است (اسلامی، ۱۳۸۱). لذا «مداهنه» با منطق قرآن مهم‌ترین چالش دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی است.



۲. دیپلماسی نهضتی و انفعال دیپلماتیک

در ادبیات علوم سیاسی و مطالعات راهبردی به قدرت مشروع، «اقتدار» گفته می‌شود. هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند نسبت به کسر یا شکست اقتدار بی تفاوت باشد؛ از این رو اقتدار، عمود خیمه یک نظام سیاسی است که مشروعیت سیاسی و کارآمدی اقتصادی را در خدمت بقای نظام و عمق‌بخشی خارجی قرار می‌دهد. کما اینکه در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز خلأ «دیپلماسی اقتدار» یا دیپلماسی انقلابی در برابر دیپلماسی انفعالی - التماسی، جهت حفظ و تقویت مسئله مقاومت کاملاً محسوس و مشهود است. این نکتهای است که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب که بیانگر روحیه و رویکرد انقلابی‌گری در سال‌ها و دهه‌های پیش روست، ضمن بیان تعبیر استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی به دستاورد و بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار [اشاره] و خطر «زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ!!» را گوشزد فرمودند.

(<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

رهبر انقلاب جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و معیار دیپلماسی موفق و شاخص دیپلماسی کشور را «مقابله با رفتار نظام سلطه و خروج از قاعده سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» بیان می‌کند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28183>). ما رفتار نظام سلطه را به هیچ‌وجه قبول نمی‌کنیم، البته داعیه سلطه‌گری نداریم اما در هیچ موضوعی، زیر بار سلطه نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده «سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» می‌دانیم (۱۳۸۶/۰۵/۳۰).

اساس کار در وزارت امور خارجه، پیشبرد سیاست ضد نظام سلطه و تأثیرگذاری در روابط بین‌المللی با استفاده از دیپلماسی قوی است^۱ (۱۳۸۸/۱۲/۰۹).

بنابراین، یکی از الزام‌های کارگزاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دیپلمات‌های انقلابی به منظور پیشبرد آرمان‌ها و اهداف والای انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی است. در غیر این صورت، دستگاه دیپلماسی غیرانقلابی هرگز نخواهد توانست توان اجرایی دیپلماتیک خود را به پشتیبانی و حمایت از مقاومت در مذاکرات و تعاملات دو یا چند جانبه و حضور در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی معطوف کند. در نظام اسلامی ما، دیپلمات غیرانقلابی مثل کمان بدون تیر یا سلاح پر از فشنگ‌های مشقی است که هنری جز

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تعارض‌های نظام سلطه در روابط بین‌الملل در چارچوب گفت‌وگو با مقام معظم رهبری رک: (عباسی، ۱۳۹۷).



قَمِيز در کردن ندارد. به عبارت دیگر، دستگاه دیپلماسی غیرانقلابی، عملاً سیاست خارجی در مایه دشتی است که آدمی را به سرودن مرثیه‌ای در سوگ مقاومت وامی‌دارد.

نسبت مقاومت و دستگاه دیپلماسی به تعبیر منطقیان، نوعی رابطه «تساوی» است و این مهم زمانی صورت واقعی به خود خواهد گرفت که مقاومت، هم در ساختار وزارت خارجه^۱ و هم در عمق باور دیپلمات‌ها نهادینه و درونی^۲ شده باشد؛ در غیر این صورت، نسبت این دو چیزی جز «تباین» نخواهد بود! شاید یکی از دلایلی که حضور پرافتخار منطقه‌ای ما آن‌گونه که باید و شاید «کما ینبغی»، خیلی نتوانسته است به دستاوردهای سیاسی، اقتصادی راهبردی مبدل شود، عدم همسویی دیپلماسی رسمی با دیپلماسی نهضتی (باور قلبی و ایمانی به مقاومت) و متناسب با ظرفیت‌های نهضتی نیروهای انقلابی بوده است. دیپلماسی و قدرت میدانی باید در کنار همدیگر قرار بگیرند.

مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۱ فرمودند: «من دیپلمات نیستم، انقلابی‌ام»^۳، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21996> این بیان می‌تواند ناظر بر وجه انقلابی‌گری دیپلمات‌ها نیز باشد؛ انتظاری که در بیانات معظم له از دیپلمات‌های دستگاه دیپلماسی کشور مستتر است. در واقع، «دیپلمات انقلابی» و «دیپلماسی اقتدار» دو روی یک سکه‌اند. در یک کلام دیپلمات انقلابی با «غسل شهادت» وارد محل مأموریت خود می‌شود و دیپلمات غیرانقلابی با «غسل تعمید!!» اولی با رویکرد کوثری و دست‌های پُر خدمت می‌کند و دومی با رویکرد نکاثری و جیب‌های پُر!!

مع الوصف، بدون دیپلماسی انقلابی، «سندروم چوب و پیاز» در سازه و پیکره دستگاه دیپلماسی اجتناب‌ناپذیر است، این سندروم کشور را به سمت هم‌زمان خوردن چوب «تحریم» و پیاز «مذاکره» سوق می‌دهد. در دیپلماسی انقلابی، کوچک‌ترین تمایل و اشتیاقی نسبت به دُول ظالم و زورگو، سرنوشتی جز خَفْت و خواری نخواهد داشت.^۳ شرط لازم و کافی دیپلماسی انقلابی، کاربست عدالت و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در مناسبات و مذاکرات بین‌المللی است.

1. organized resistance

2. socialized resistance

۳. آیه ۱۱۳ سوره مبارکه هود: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ». و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد. (هود/۱۱۳). لازم به توضیح است که «رکون» یعنی میل کردن به سوی چیزی و آرامش دادن خاطر به وسیله آن. آیه شریفه مؤمنان را از رکون به سوی ستمکاران منع می‌کند، رکون به سوی آنان یک نوع اعتمادی است که ناشی از میل و رغبت نسبت به آنان باشد. لذا آیه شریفه از هم‌نشینی و نزدیکی به ستمکاران نهی می‌کند، چون مصاحبت با آنها باعث رضایت به اعمال ایشان، تشبه به آنان و اطاعت از راه و روش آنها می‌شود.



۳. دیپلماسی نهضتی و وا هم‌گرایی جنبش‌های آزادی‌بخش

«جیمز روزنا» واژه‌وا هم‌گرایی را در مقاله‌ای با عنوان «تقاضای قوی، عرضه بزرگ: حکمرانی در یک دوره در حال ظهور» در سال ۲۰۰۴ مطرح کرده است. وا هم‌گرایی^۱ اشاره به ترکیبی از تجزیه (واگرایی)^۲ و ترکیب (هم‌گرایی)^۳ یعنی نیروهای متعدد و متباینی دارد که در برخورد میان جهانی شدن،^۴ تمرکزگرایی^۵ و هم‌گرایی^۶ از یک طرف، و محلی شدن،^۷ تمرکززدایی^۸ و تجزیه^۹ از طرف دیگر شکل می‌گیرند (Rosenau, 2004: 31-48). بر این اساس، بسیاری از نهضت‌های آزادی‌بخش از طرفی، گرایش تاریخی و نوستالژیک به احیای امپراتوری یا خلافت اسلامی دارند و از طرف دیگر محدود و محصور در نظام وستفالی دولت - ملت و الزام‌های قدرت در تحولات ژئوپولیتیکی نظام بین‌الملل هستند. این مسئله در نهضت انقلاب اسلامی با نظریه ولایت فقیه و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در چارچوب سیاست راهبردی «نه شرقی و نه غربی» حل شده است؛ اما این موضوع در میان بسیاری از رهبران دینی و فکری جوامع و جنبش‌های رهایی‌بخش، همچنان محل نزاع است.

از جمله موانع اتحاد جهان اسلام و هم‌گرایی نهضتی، وجود دولت‌های اقتدارگرا و غیر مردمی در کشورهای اسلامی است. این کشورها با سرکوب جنبش‌ها و اخراج عوامل انقلابی، اجازه نفوذ عمیق ارزش‌های اسلامی نشأت‌گرفته از ایران را به قلمرو ملی خود ندادند و به مقابله با آن مبادرت ورزیدند (فولر، ۱۳۷۷: ۱۴۶). انقلاب اسلامی با ویژگی‌های خاص خود به ویژه اسلامی و مردمی بودن آن، به عنوان الگویی برای مردم کشورهای اسلامی مطرح شد؛ به گونه‌ای که ترس از برپا شدن انقلابی مشابه انقلاب اسلامی ایران در کشورهای منطقه، رهبران و سردمداران این کشورها را سخت به اندیشه و تشویش خاطر انداخت (اسلامی، ۱۳۶۹: ۲۵۰). برای مثال، قیام گروه‌های مبارز مذهبی در کشورهای هم‌جوار ایران که خطری جدی برای ثبات این کشورها بود، واکنش خصومت‌آمیز کشورهای منطقه، به ویژه عراق بعثی و عربستان سعودی را در پی داشت.

1. fragmentation
2. fragmentation
3. integration
4. globalization
5. centralization
6. integration
7. localization
8. decentralization
9. fragmentation



بنابراین، هم‌گرایی کشورهای اسلامی در سطح سیاسی برای تحقق بخشیدن به امت اسلامی، سیاست خارجی مشترک، اتحادها و پیمان‌های سیاسی منطقه‌ای به‌دلیل وابسته بودن بیش‌تر حاکمان اسلامی، نداشتن پایگاه مردمی و احساس ترس آنها از آموزه‌های اسلام و انقلاب اسلامی، با موانع و محدودیت‌های بسیاری روبه‌روست که این امر سبب شده است تا هم‌گرایی کشورهای اسلامی در پرتو آموزه‌های انقلاب اسلامی در سطح سیاست حاد با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو شود.

یکی دیگر از زمینه‌ها و شرایط رسیدن به هم‌گرایی نهضتی در میان کشورهای اسلامی، مربوط به کارگزاران اصلی هم‌گرایی، یعنی نخبگان فکری و سیاسی است که با وجود وجوه اشتراک‌های اولیه، همچنان تحت تأثیر تعارض‌ها و اختلاف‌های فکری و سیاسی فزاینده‌ای هستند که در عمل، هم‌گرایی کشورهای اسلامی را با محدودیت و مانع روبه‌رو ساخته است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این تعارض‌ها وارد مرحله‌ای نوین شد و بار دیگر در دو محور جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم ساماندهی شد و در هم‌گرایی کشورهای اسلامی در پرتو آموزه‌های اسلامی انقلاب اسلامی، تعارض‌ها و درگیری‌هایی را میان کشورهای اسلامی و ایران اسلامی به وجود آورد.

بیش‌تر کشورهای عربی، جمهوری اسلامی ایران را به تلاش برای شیعه کردن مناطق سنی جهان اسلام و گسترش شیعی‌گری در منطقه متهم می‌کنند. مهم‌ترین این مواضع، سخنان ملک عبدالله، پادشاه اردن، در دسامبر ۲۰۰۴ است. وی طی سخنانی، شکل‌گیری «هلال شیعی» را خطری می‌داند که غرب آسیا را تهدید می‌کند. بر این اساس، این هلال از ایران آغاز شده است، تا علوی‌های سوریه امتداد می‌یابد و به حزب‌الله لبنان می‌پیوندد. نکته قابل تأمل و مهم این است که اندکی پس از این موضع‌گیری، حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، نیز اعلام کرد که شیعیان عراق و لبنان، پیوندشان با ایران، قوی‌تر از وابستگی‌شان به کشورهای خودشان است. اختلاف‌های فرهنگی و سیاسی میان کشورهای مسلمان عرب (مصر، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، سوریه، فلسطین، لبنان) و کشورهای مسلمان غیرعرب (ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان، کشورهای مسلمان آسیای میانه و قفقاز و جنوب شرقی آسیا) نیز از جمله مهم‌ترین مسائل برهم‌زننده هم‌گرایی اسلامی است.

۴. دیپلماسی نهضتی و عمق بخش داخلی

براساس آیات شریفه ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب^۱ انبیای الهی قبل از هر امر و نهی ای خود شاهد و نمونه عالی حیات انسانی بوده‌اند که به اذن خدا چون چراغی روشن، نورافشانی می‌کنند. به عبارت دیگر، ما تا خودمان نمونه تام و تمام استقلال طلبی و عدالت خواهی نباشیم، حنای یک نظام انقلابی برای سایر ملل و مستضعفان جهان رنگی نخواهد داشت. لذا دعوت به استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی بدون تشکیل یک حکومت اسلامی عامل به ارزش‌های الهی و انسانی و به دور از هرگونه «فقر، فساد و تبعیض» برای افکار عمومی قابل پذیرش نیست. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب بارها فرمودند: پس از تشکیل انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام اسلامی، ما در دولت اسلامی متوقف شدیم تا به سوی جامعه اسلامی و تمدن اسلامی گام برداریم.^۲ از منظر ایشان بعد از این مرحله، مرحله تالاول و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لتكونوا شهداء على الناس».^۳

به این ترتیب، استکبارستیزی و استقلال طلبی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی، بدون پاسداشت دو شعار اصلی انقلاب در سیاست داخلی یعنی آزادی خواهی و عدالت طلبی، هرگز الهام‌بخش ملت‌های جهان نخواهد شد و بلکه عمق‌بخشی طبیعی انقلاب را نیز در جهان شکننده و آسیب‌پذیر خواهد کرد. به عبارت دقیق‌تر، ام‌القرای مقاومت خود باید نمونه و الگوی موفق استقلال خواهی در عرصه خارجی و آزادی خواهی در عرصه داخلی در سایه تعالیم متعالی و روح‌بخش عدالت اسلامی باشد. لذا امروزه تقویت امتداد اجتماعی شعارهای انقلابی در داخل یک ضرورت حتمی و قطعی است. طبعاً اگر گفتمان مقاومت در داخل فاقد مشروعیت ملی و اقناع افکار عمومی است، مشکل آفرین و چالش‌برانگیز خواهد شد؛ زیرا اقناع ملی مغز استخوان امنیت ملی است و بی‌توجهی به این مسئله پوکی استخوان را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «ما نمی‌خواهیم دل خودمان را به این خوش کنیم

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُبِينًا». ای پیامبر، ما تو را فرستادیم تا بر رفتار و کردار امت گواه باشی، و مؤمنان را به بهشت و پادشاه‌های الهی مژده دهی، و کافران و گنه‌کاران را از عذاب دوزخ بترسانی. تو را فرستادیم تا مردم را به اذن خدا به سوی او فراخوانی و در راهنمایی آنان به سوی سعادت چراغی تابان باشی.

۲. معظم له در بیانیه مهم گام دوم انقلابی به دو مشکل عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی اشاره می‌کنند. رک:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634>



که ملت ایران در سطح بین‌المللی یا در سطح بین‌المللی اسلامی سربلند و عزیز و آبرومند است؛ این هست؛ اما ما به این اکتفا نمی‌کنیم. ما باید این توانایی را از خودمان نشان بدهیم که بتوانیم یک جامعه‌ای بسازیم که مورد رضای اسلام باشد. این کار را باید بکنیم؛ وظیفه ما این است. و اتفاقاً آن نقطه اساسی‌ای که دشمنان توطئه‌گر اسلام در سطح جهان به آن توجه دارند و می‌خواهند آن انجام نگیرد، همین است. آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد. کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه اقتصاد و بقیه موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادهای در آن جامعه بشکفد. همه انسان‌ها بتوانند در آن با توان خدادادی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه برخورداران نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌ها است؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرنبجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند. در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم. تمدن مادی غرب در علم و فناوری پیشرفت کرد. در روش‌های پیچیده مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه معنوی روزبه‌روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباطات آسان، باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دستاورد آن - یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد و انفجار نادانسته - مردم شب و روز نداشته باشند، آن علم برای بشریت مفید نیست. دنیای غرب با پیشرفت علمی خود، در این دام خطرناک افتاد. تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و هم‌زیستی مهربانانه مردم با یکدیگر.»^۱

۱. بیانات در دیدار مردم شاهرود (۱۳۸۵/۰۸/۲۰) رک:

۵. دیپلماسی نهضتی و مسئله مبارزه با معلول

با توجه به اینکه اساساً مبارزه با علت‌ها^۱ مهم‌تر و نسبت به مبارزه با معلول^۲ اولی است، دیپلماسی نهضتی نیز به مانند یک سکه دو رو عمل می‌کند؛ هم در بعد سخت‌افزاری و هم در بعد نرم‌افزاری. به عبارت دقیق‌تر، از طرفی مبارزه فکری و فرهنگی با تفکر افراط‌گرایی، رادیکالیسم و تروریسم و از طرف دیگر، مبارزه و مقاتله با افراط‌گراها، رادیکالیست‌ها و تروریست‌ها در دستور کار آن است. لذا ما نباید فقط دل‌خوش به نابودی معلول‌ها باشیم. از این رو، دیپلماسی نهضتی هم‌زمان سه مأموریت سخت (حضور نظامی و امنیتی و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و بازیگران دولتی و غیردولتی حامی محور مقاومت)، نیمه‌سخت (حضور در کف خیابانها، تظاهرات و راهپیمایی و کمپین‌های جمع‌آوری امضا و...) و نرم (مبارزه علمی و فکری - فرهنگی در ابعاد: ضداستکباری؛ ضدصهیونیستی؛ ضدتکفیری؛ تبیین آرمان‌ها، مواضع و سیاست‌های جمهوری اسلامی و معرفی دستاوردهای انقلاب اسلامی) را دنبال می‌کند. پرواضح است که مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین بخش مبارزاتی، مأموریت نرم، یعنی مبارزه فکری در حوزه نهضتی است که در اینجا قلم و اصحاب نظر میدان‌داران صحنه‌اند.

۶. دیپلماسی نهضتی و سرمایه‌گذاری اقتصادی

یکی از زمینه‌های حضور و نفوذ در هر کشوری حوزه اقتصادی است. حضور اقتصادی ایران (به ویژه بخش خصوصی) در جامعه هدف می‌تواند زمینه‌های نفوذ فرهنگی انقلاب اسلامی را تقویت و پشتیبانی کند؛ زیرا حضور اقتصادی بسترساز نفوذ فرهنگی و سیاسی است. در این بخش، دو مشکل ضعف بنیه اقتصادی کشور و مسئله تحریم‌های بین‌المللی (تحریم‌های اولیه و ثانویه امریکا) دو چالش جدی به شمار می‌روند. البته تلاش برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها مهم‌تر از رفع آنهاست.

۷. دیپلماسی نهضتی و پوشش رسانه‌ای

رسانه‌ها اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی و تلویزیون‌های کابلی و مطبوعات، نقش بسیار مهمی در تصویرسازی و ایجاد دوگانه ذهنیت - واقعیت دارند. لذا اگر رسانه‌های بومی و همسوی معتبری نباشند که آرمان‌های انقلاب اسلامی و عملکرد جمهوری اسلامی

1. cause
2. effect



به‌خصوص در حوزه مقاومت و دستاوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن را به‌خوبی پوشش دهند، گفتمان‌سازی متناسب با ظرفیت‌های نهضتی ایجاد نخواهد شد. این قدرت رسانه است که از کاه، کوه می‌سازد و از کوه، کاه...!!

۸. دیپلماسی نهضتی و مسئله پشتیبانی آکادمیک

یکی از اقدام‌های بنیادی و ماندگار در حوزه دیپلماسی نهضتی به منظور ترویج و تثبیت گفتمان مقاومت، ایجاد و حمایت از مراکز علمی و آکادمیک در حوزه آموزشی و پژوهشی است که خروجی آن دانشجویان و پژوهش‌گرانی خواهند بود که با قلم و زبان خود ادبیات مقاومت را به صورت بومی و مدنی گسترش خواهند داد. استاد مقاومت و رزمنده مقاومت با هم، دیپلماسی نهضتی را شکل و استمرار می‌بخشند.

۹. دیپلماسی نهضتی و مسئله دموکراسی

یکی از نکات مهمی که در مسئله مقاومت باید به آن توجه داشت، مردمی کردن و جامعه‌پذیر کردن مقاومت^۱ در کنار مقاومت نهادینه‌شده و سازمانی^۲ است. مردمی کردن مقاومت نه تنها هزینه‌های سیاسی - اجتماعی حمایت از دولت‌های همسو با مقاومت را در جامعه هدف کاهش خواهد داد، بلکه می‌تواند خنثی‌کننده توطئه‌های دشمن در بزنگاه‌های تاریخی و شرایط سخت دولت مقاومت نیز باشد. از طرف دیگر، در فرایند انتخابات دموکراتیک و چرخش نخبگان، به دلیل تربیت نسل جدیدی از رهبران مقاومت، نگرانی بابت از دست دادن دستاوردها و ظرفیت‌های مقاومت در کشور هدف به واسطه تغییر رهبران سیاسی مرتفع خواهد شد. به عبارت دیگر، ما نباید فقط به تعامل و همکاری با رهبران سیاسی حتی رهبران مذهبی محدود و انگشت‌شمار معتقد به مقاومت دل‌خوش باشیم و به همان بسنده کنیم، بلکه باید ذهن و قلب مردم، جامعه نیز پذیرای گفتمان مقاومت باشند. در این صورت، با جابه‌جایی احزاب، اشخاص و دولت‌ها، جامعه هرگز به دولت ضد مقاومت و سازشکار در برابر استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل رأی اعتماد نخواهد داد. در اینجا مسئله شکل‌گیری جریان‌های فکری و سیاسی مقاومت و به ویژه احزاب کارکردگرای آن باید همواره مورد توجه قرار گیرد.



۱۰. دیپلماسی نهضتی و حکومت داری

مدیریت امر نهضتی با مدیریت امر حکمرانی دو مقوله کاملاً جداست. به این معنا که الزامها و نیازهای جنبشی بسیار متفاوتتر از نیازمندیهای همان نهضت و جنبشی است که حالا به قدرت رسیده و تشکیل حکومت داده است که باید در چارچوب قانون اساسی و حقوق بین الملل، سیاستهای داخلی و خارجی مملکت را مدیریت و هدایت کند. لذا در این مرحله لازم است رویکرد دیپلماسی نهضتی تغییر یافته، اقدامهای خود را معطوف به کارآمدی و بازتولید مشروعیت دولت انقلابی جدید کند. در این زمینه، دیپلماسی رسمی دولت باید پشتیبان و ادامه دهنده دیپلماسی نهضتی باشد که کارش را عملاً با تبدیل جنبش به دولت به پایان رسانده است.

بنابراین، وقتی که یک جنبش موفق به حضور در قدرت و تشکیل دولت می شود، حتماً می بایستی با رویکرد انقلابی نسبت به تقویت همکاریهای سیاسی و اقتصادی دوجانبه اقدام کرد؛ زیرا چنین دولتی برخلاف وضعیت جنبشی، باید پاسخگوی مطالبات معیشتی و مدنی جامعه هم باشد تا جامعه نیز از رویکرد انقلابی دولت حمایت و پشتیبانی کند.

البته ام القرای مقاومت همواره باید به هوش باشد که مبادا دوست ایدئولوژیک امروز، دشمن ناسیونالیست فردا شود.

۱۱. دیپلماسی نهضتی و مسئله نرمالیزاسیون بین المللی

جامعه پذیری بین المللی (نرمالیزاسیون) یعنی تن دادن به نرمها و هنجارهای بین المللی یا حرکت در چارچوب نظم سیاسی بین الملل که از لوازم آن پذیرش نظام سلطه، شناسایی رژیم غاصب و جنایتکار صهیونیستی و در یک کلام کنار گذاشتن مقاومت است. این مسئله در قالب عضو عادی و نرمال جامعه بین الملل از زبان دشمن در خصوص نظام جمهوری اسلامی ایران بارها شنیده شده است. طبعاً آن روی سکه جامعه پذیری بین المللی، نرمالیزاسیون و انقلاب زدایی از صورت و سیرت نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

به تعبیر امام خامنه ای «حفظه الله» تغییر رفتار همان تغییر نظام است: «هدف بلندمدت [دشمن] هم، اصل نظام اسلامی است. یک روزی صریحاً می گفتند که نظام اسلامی باید از بین برود؛ بعد دیدند این حرف، حرفی است که به ضررشان تمام می شود و اولاً، نمی توانند و در آن می مانند و آبرویشان پیش طرفدارانشان، دولت های وابسته و مزدورشان در دنیا می رود؛



[لذا] آمدند این را تعدیل کردند و گفتند: تغییر رفتار جمهوری اسلامی. بنده همان وقت به مسئولین عزیز کشور گفتم: آقایان! توجه داشته باشید که تغییر رفتار، با تغییر نظام هیچ فرقی ندارد. معنای تغییر رفتار این نیست که اگر صبح ساعت ۷ می‌آمدیم، حالا ۷:۳۰ یا ۶:۳۰ دقیقه بیاییم. تغییر رفتار یعنی اینکه راه اسلام را می‌رفتیم، راه انقلاب را می‌رفتیم، خط امام را می‌رفتیم، حالا زاویه بگیریم؛ اول ۲۰ درجه، بعد ۴۵ درجه، بعد ۹۰ درجه، بعد ۱۸۰ درجه در طرف مقابل حرکت بکنیم؛ تغییر رفتار یعنی این؛ یعنی همان از بین بردن نظام اسلامی؛ این هدف بلندمدت آنهاست. بنابراین، هدف دشمن این‌هاست. دشمن، دشمن است؛ از هر چه که بتواند اعمال دشمنی بکند، استفاده خواهد کرد.»^۱

۱۲. دیپلماسی نهضتی و روابط دیپلماتیک در نظام سلطه

مبارزه با نظام سلطه و استکبار جهانی لزوماً و ضرورتاً به معنای قطع روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با نظام سلطه، یعنی کشورهای سلطه‌گر و وابسته نیست، بلکه می‌توان و باید با حفظ مناسبات و شئون دیپلماتیک و روابط مؤثر و سازنده اقتصادی و فرهنگی با همه دولت‌ها و ملت‌ها (البته به استثنای امریکای یاغی و رژیم غاصب صهیونیستی)، نه تنها از همکاری و همدستی در ایجاد ظلم پرهیز کرد، بلکه نسبت به ظلم ظالمان علیه مستضعفان جهان نیز از طرفی روشنگری و افشاگری نمود و از طرف دیگر، از مظلومان مساعدت و حمایت همه‌جانبه مادی و معنوی به عمل آورد؛ البته بار اصلی این مسئولیت اخلاقی و انسانی بر دوش ملت‌ها، به ویژه علما و روشن‌فکران است تا دولت‌مردان و سیاسیون. به عبارت دیگر، بار سنگین مبارزه با استکبار بر دوش رهبران فکری، دینی و سیاسی جوامع خود آنهاست؛ یعنی مبارزه‌ای سخت در بستری نرم. لذا تقابل با نظام سلطه با نفوذ در نظام سلطه هیچ منافاتی نداشته، بلکه اثربخشی دیپلماسی نهضتی را افزایش می‌دهد و هزینه‌های احتمالی را کاهش خواهد داد. آنچه مسلم است نیروهای انقلاب ضمن حفظ رابطه، نباید به دولت‌های غربی امید داشته باشند. این نکتهای است که مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت مورخ ۷ شهریور ۱۳۹۷ فرمودند: «قطع امید کنید از اینها؛ از اروپا قطع امید بکنید... قطع امید [بکنید]. این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40399>)

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) ۲۰/۲/۱۳۹۶، رک: <http://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=38937>



۱۳. دیپلماسی نهضتی و دی.دی.آر

پروژه^۱ DDR مخفف خلع سلاح نیروهای مقاومت چریکی غیرهمسو با غرب و خروج آنها از عضویت بسیجی در گروه‌های مقاومت اسلامی و بازگشت به زندگی عادی است که امریکا در قالب طرح خاورمیانه بزرگتر^۲ اجرای آن را تحت عنوان مقاومت‌زدایی دنبال می‌کرد و اخیراً مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا، نیز در بند هفتم شروط دوازده‌گانه برای جمهوری اسلامی ایران مورخ ۲۱ می ۲۰۱۸ دقیقاً به این مسئله اشاره کرده است.^۳

آمریکا در جهان اسلام در قالب طرح خاورمیانه بزرگتر، فرایند «یکپارچه‌سازی، بسیج‌سازی و مسلح‌سازی گروه‌های مقاومت در ایما»^۴ را با هدف غیرمسلح‌سازی، بسیج‌زدایی و بازگرداندن مجدد به جامعه، در دی.دی.آر. دنبال می‌کند. به همین دلیل مقاومت‌زدایی، راهبرد اصلی امریکا در مواجهه با جنبش‌های مقاومت است. شورای امنیت سازمان ملل به عنوان ضمانت اجرای دی.دی.آر، علیه نیروهای جنبش‌های مقاومت قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۷۳۸ و ... را در همسویی با منافع نظام سلطه با هدف از بین بردن و خنثی‌سازی نقش و ساختار مقاومت در جهان اسلام صادر کرده است (چگینی، ۱۳۸۷).

ناگفته نماند که می‌توان به «دی» خرابکارانه مهم دیگری هم به نام «سیاست دیسمنتل»^۵ یا پیاده‌سازی اشاره کرد که به عنوان یک سیاست فراحزبی^۶ در امریکا مورد توجه است، یعنی باز کردن تمام پیچ و مهره‌های اقتدار هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران که این مهم با تهی‌سازی ظرفیت راهبردی نظام در داخل و خارج با هدف براندازی نظام و تجزیه ایران دنبال می‌شود. به هر حال، در مقابل پروژه دی.دی.آر باید محور مقاومت از طریق مهندسی معکوس پروژه ایما را به کار گیرد؛ یعنی همگرایی و یک‌پارچه‌سازی، بسیج‌سازی و مسلح کردن هسته‌های مقاومت در سراسر جهان.

1. Disarmament, Demobilization, Reintegration(DDR)

2. The Greater Middle East

3. Iran must respect the sovereignty of the Iraqi Government and permit the disarming, demobilization, and reintegration of Shia militias. For more information see: <https://www.state.gov/secretary/remarks/2018/05/282301.htm>

4. Integration, Mobilization, Armament(IMA)

5. Dismantle policy

6. Bipartisan



۱۴. دیپلماسی نهضتی و تحریم‌ها

در واقع، بسیاری از مرتبطان و هواداران نظام و انقلاب به دلیل فشارهای امریکایی‌ها و غربی‌ها، به ویژه آنهایی که در جغرافیای سیاسی غرب زندگی می‌کنند، با شروع تحریم‌ها نوع و سطح ارتباطشان را با نظام و انقلاب کاهش می‌دهند و دیگر حاضر نیستند کمافی‌السابق حتی به ایران سفر کنند تا مبادا زندگی طبیعی سیاسی و اقتصادی‌شان در مغرب‌زمین آسیب ببیند. لذا تحریم‌های ظالمانه و ناعادلانه نظام سلطه یکی از چالش‌های جدی دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران است. کما اینکه فقدان تبادلات مالی و بانکی سالم و شفاف، کم و کیف حمایت از اشخاص، جریان‌ها و شبکه‌های مقاومت را در سراسر جهان با اخلال مواجه‌گرئخ و ممکن است در معرض اتهامات ناروایی چون پول‌شویی و تروریسم مالی قرار گیرند؛ معلوم است که در شرایط تحریم، نمی‌توان به الزامات سیاسی و سازوکارهای حقوقی محدودکننده و دست و پاگیر بانکداری جهانی تن داد؛ به خصوص تا زمانی که آمریکا و غرب تعریف معقول، منطقی و انسانی جمهوری اسلامی را از «تروریسم» و «مقاومت» بپذیرد.

۱۵. دیپلماسی نهضتی و همسویی حداکثری

انتظار غیرواقع‌بینانه‌ای است که هواخواهان، حامیان و نیروهای بین‌المللی همسو با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در تمام حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی نیز مدافع تام و تمامی و حامی پروپاقرص نظام باشند. هر کسی در هر گوشه عالم که با یکی از آرمان‌های ایجابی و سلبی انقلاب همسو و هم‌آوا باشد، یعنی عدالت‌طلب و ضدظلم و حامی مظلوم باشد، طبعاً متحد طبیعی^۱ و هم‌آرمان انقلاب است. این مسئله دقیقاً در راستای «جذب حداکثری و دفع حداقلی» و در چارچوب «دکترین تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه» مورد تأکید و تأیید مقام معظم رهبری، قابل تبیین است. هنر نیروهای نهضتی انقلاب این است که حمایت و همسویی آنان را روزبه‌روز تقویت کرده، آنها را با ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب آشنا تر کنند. اشتباه بزرگ این است که تعامل با صاحب‌نظران همسو در عرصه بین‌المللی با انقلاب را به دلیل نقد یکی از ابعاد سیاست داخلی و خارجی نظام حذف یا محدود کنیم.



هرگز نباید فراموش کرد که دیپلماسی نهضتی حرکتی ایقانی - اقناعی است؛ ایقان ذهن‌ها و اقناع قلب‌ها. خط قرمز دیپلماسی نهضتی مزدورپروری است. مبنای حرکت ایمان و اعتقاد است. لذا تعلیم و تربیت نیروهای ایمانی و اعتقادی در مسیر خدا هدف دیپلماسی نهضتی است (توحید را عرضه کنید تا بشکنیم اصنام را...).

نتیجه گیری

مقاومت و دیپلماسی نهضتی حرکت جوهری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی است که به عنوان یک موضوع فراجزبی، فراجناحی، فرازبانی، فرائزادی، فراقومی، فرامذهبی، فراملی، فرانلسی و حتی فرائاریخی به دنبال ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و گسترش عدالت جهانی است. در این مسیر آنچه اصالت پیدا می‌کند خود «انسان» است، فارغ از هر دین و آیین و کیش و مسلکی. این همان منطق رهبران مقاومت است: «نحن هنا من أجل الانسان».

اما از آنجا که جهان اسلام عمق راهبردی جمهوری اسلامی است، توجه عمیق و جدی به توسعه برنامه‌های فرهنگی برون‌مرزی در جهت تقویت و توسعه بیداری اسلامی، احیای تفکر اسلام ناب محمدی (ص) و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و نیز ایجاد زمینه برای وحدت اسلامی - کاربست دیپلماسی وحدت‌علیه نظام سلطه - در تقابل با طرح‌های سلطه‌طلبانه نظام سلطه، ضرورتی راهبردی به نظر می‌رسد. در این زمینه الگوی برخورد با نظام سلطه از منظر گفتمان ولایت، «الگوی تعامل‌گرایی ضدنظام سلطه» یعنی همکاری با تمامی بازیگران دولتی و غیردولتی (نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و ملی) در شرق و غرب عالم علیه نظام سلطه و مهار سلطه‌گران است. به بیان دیگر، در پرتو «مقاومت راستین و هوش‌مندانه»، الگوی بومی مقابله با نظام سلطه «قطع امید و تداوم رابطه» در سایه مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل با شعار «عزّت»، «حکمت» و «مصلحت» نظام جمهوری اسلامی است.

به نظر می‌رسد امروزه با ورود به دهه پنجم و گام دوم انقلاب، ضرورت یک جراحی بزرگ در عرصه کارگزاری نظام بیش از پیش، خود را عیان کرده است. مگر نه اینکه ساختار انقلابی بدون کارگزار انقلابی پاک‌دست و توانمند نقض غرض است؟ ولایت و مقاومت دو روی



سکه انقلاب‌اند که تضعیف و تحلیل هرکدام به انحطاط و اضمحلال دیگری می‌انجامد؛ زیرا ولایت فقیه ضامن انقلابی ماندن نظام جمهوری اسلامی است. یک اصل ساده و مهم منطقی وجود دارد: «کسی که ملزم به امری شد، باید ملزم به لوازم آن امر نیز باشد». لذا التزام به «ولایت» بدون ملزم شدن به «امر ولایت» ناممکن است و یکی از لوازم جوهری امر ولایت «توصیه به مقاومت» است. «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»؛ و مگر نه این نصرت‌الله با ثابت‌قدمان فی سبیل‌الله است؛ زیرا وعده خدا حق است: «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ». لذا اگر قاعده «علت موجوده، علت مبقیه هم هست» را ملاک قرار دهیم، به خصوص وقتی علت، علت تامه باشد، حرکت انقلابی نظام جز در سایه‌سار «ولایت» و میوه شیرین «مقاومت» ناممکن است. امروزه دو خطر بزرگ انقلاب و اصل نظام را از درون تهدید می‌کند: «نفاق و نفوذ»؛ که موتور محرکه این دو، حضور نامحرمان ولایت و نااهلان مقاومت در عرصه کارگزاری است. نفاق با عملکرد ضعیف خود و با زدن نقاب ولایت‌مداری، تضعیف جایگاه ولایت را به دنبال دارد و نفوذ با شکستن اراده مقاومت در هسته سخت و مرکزی قدرت، یعنی نظام تصمیم‌گیری کشور، خود مقاومت را به حاشیه می‌راند.

ناگفته نماند تا زمانی که ساختار و کارکرد مدیریت اجرایی و نحوه توزیع قدرت سیاسی معطوف به رفع «عیوب ساختاری» و «ضعف‌های مدیریتی» مورد عنایت رهبر معظم انقلاب، در بیانیه مهم و راهبردی گام دوم انقلاب اصلاح و ترمیم نشود، مجمع‌الجزایر جمهوری اسلامی منطبق و مقید به اهداف و آرمان‌های والا و بلند انقلاب اسلامی نخواهد شد. لذا چالش‌ها و موانع مورد اشاره در مسیر مقاومت و دیپلماسی نهضتی در گام دوم انقلاب نیز همچنان وجود خواهند داشت که یکی از پیامدهای آن این است که دیگر چرخ‌دنده‌های دولت جمهوری اسلامی بر روی چرخ‌دنده‌های انقلاب اسلامی قرار نخواهد گرفت.

بر این اساس، شکل‌گیری «دولت مقاومت و پیشرفت» در افق ۱۴۰۰ تنها راه حرکت هم‌زمان بازدارندگی در خارج (اقتدار ملی) و سازندگی در داخل کشور (رفاه ملی) بوده، رویکرد تمدنی، آخرین نسخه عملی و اقدامی گذار از دولت اسلامی به جامعه اسلامی است تا وارد عصر تمدن نوین اسلامی شویم.

منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن مجید.

- اسلامی، مسعود (۱۳۶۹)، ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران: نشر همراه.

- افروغ، عماد (۱۳۹۷)، «مجلس خبرگان نیازمند تحولات ساختاری است»، مصاحبه با خبرگزاری ایرنا، ۱۲ شهریور، رک:
<http://www.irna.ir/fa/News/83021372>

- امام خمینی (۱۳۷۸)، صحیفه امام، جلد‌های ۱۰، ۱۲، ۲۰، ۲۱، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- بهمن، شعیب و علی کاظم خانلو (۱۳۹۴)، «دبیاچه‌ای بر دیپلماسی نهضتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۶، ش ۳، پیاپی ۶۳. پائیز.

- توماس، میشل (۱۳۸۷)، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

- چگینی، عباس (۱۳۸۷)، ابعاد پروژه دی.دی.آر آمریکا در جهان اسلام، تهران: اندیشکده یقین.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «مدیریت عالی نهضتی، مبانی و مأموریت‌ها»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۶، ش ۴، پیاپی ۹۴. زمستان.

- عبائی، محمود (۱۳۹۰)، «الهیات رهایی‌بخش»، شهریور، رک:

<http://drabae.com/?p=235>

- فولر، گراهام (۱۳۷۷)، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲)، «نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی - اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه»، مجله علمی پژوهشی سیاست دفاعی، ش ۸۲. بهار.

- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲)، نامه سرگشاده به دکتر ظریف رک: «نامه سرگشاده به وزیر امور خارجه»، خبرگزاری فارسی، ۱۳ شهریور.

<https://www.farsnews.com/news/13920613001276/>

- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۴)، نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل، تهران:

نشر مخاطب.



- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۸)، مقاومت و دیپلماسی نهضتی؛ تحولات، فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- محمدی، منوچهر (۱۳۹۰)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- میرقادری، سیدفضل‌الله و حسین کیانی (۱۳۹۱)، «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، فصلنامه ادبیات دینی، دوره ۱، ش ۱، تابستان.

- میلسن، ژان (۱۳۸۹)، «دیپلماسی عمومی: از تئوری تا عمل»، در کتاب ژان میلسن، دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- هاشمی، سید محمدجواد (۱۳۸۲)، امام خمینی و همگرایی جهان اسلام، تهران: نشر نیایش.

ب) منابع انگلیسی

- Ghaderi Kangavari, Rouhollah. "The Complex Relationship among Troika of Religion, Science and Politics: From an Islamic Perspective". Burhan Journal of Qur'anic Studies. .Vol 02, No.01, 2017. Available at: www.academicpress.org

- Ghaderi Kangavari, Rouhollah. "The Complex Relationship among Troika of Religion, Science and Politics: From an Islamic Perspective". in Science and Religion: Synergy not Skepticism. The Health Science Publisher, JAYPEE. 2018.

ج) منابع اینترنتی

- <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634#60870>

- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40399>

- <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

- <http://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=38937>

- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2110>

- <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634>
- <http://www.irna.ir/ar/News/81967129>
- <https://www.state.gov/secretary/remarks/2018/05/282301.htm>
- <https://www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-0124-mcmanus-iran-symbolism-20160124-column.html>
- <http://foreignpolicyblogs.com/2013/05/06/a-candid-dicussion-witj-karim-sadjadpour>
- https://fa.wikipedia.org/wiki/نیروی_قدس_سپاه_پاسداران_انقلاب_اسلامی
- <https://www.mashreghnews.ir/news/78963> ماموریت نیروی قدس به روایت فرمانده کل قوا

